شرح مثنوی نیکلسن

سلماسی زاده، جواد

مثنوی نه تنها بین پیروان طریقت مولوی بلکه در میان همه ایرانیان و حتی‏ صوفیانی که بزبان فارسی آشنا شده‏اند.کتابی است بی‏مانند که از منبع فیضان وحی و الهام‏ سرچشمه گرفته و همین مراتب معنوی و فلسفهء باطن تلقی شده است.

چنانکه بعدها جامی شاعر بنام ایران آنرا قرآن‏1فارسی نامید«هست قرآن در زبان پهلوی»و نیز درباره مولانا جلال الدین محمد گوید:

«نیست پیغمبر ولی دارد کتاب»2

تصوف اسلامی ایرانی از کتب ارجمند متعدد برخوردار و الهام‏بخش مراتب عرفانی‏ است،که از فرط عظمت در اوج آسمانها می‏باشند.ولی اگر آنها را ستارگان آسمان‏ ادبیات فارسی بنامیم،مولانا جلال الدین و آثارش در حکم منظومه شمسی می‏باشد.که‏ باعث رونق آثار قبلی و پایه و مایه کتابهای بعدی گردیده است هیچ‏یک از آثار عرفانی فارسی‏ باندازهء مثنوی مولوی بدقت مورد مطالعه و انتشار قرار نگرفته و بحد وفور بزبانهای عمدهء اسلامی شرح و بسط داده نشده است‏3.

شاید قرن پانزدهم میلادی نخستین تاریخ باشد که شرح مثنوی تألیف گردیده‏ است.و اولین کسی که درصدد شرح مثنوی مولانا جلال الدین محمد بلخی برآمده است:

کمال الدین حسین بن حسن الخوارزمی الکبراوی نام دارد که شاگرد خواجه‏ ابو الوفاء بوده است‏4.که در دو مجلد نسبت به بحث و شرح مثنوی پرداخته است و آنها را به‏ ترتیب به کنوز الحقائق فی رموز الدقائق و جواهر الاسرار و زواهر الانوار5نامیده است.

(1)-سنائی غزنوی نیز قبلا حدیقهء خود را قرآن پارسی گفته است.

(2)-نقل از صفحه 3 کتاب شرح مثنوی فارسی والی محمد و همچنین به صفحه اول شرح‏ مثنوی ترکی عابدین پاشا مراجعه شود.

(3)-به ج 5 کشف الظنون حاج خلیفه ص 378-375

(4)-به کتاب نفحات از ص 499 ببعد مراجعه شود

(5)-الف بفهرست کتب خطی فارسی موزهء بریتانیا که در سال 1879 الی 1883 بوسیله‏ ریو تنظیم گردیده و در تحت شماره 588 ضبط شده است.

ب-فهرست کتب خطی کتابخانه هند که بوسیله Elhe? در سال 1903 در لندن تنظیم‏ گردیده بشماره 1098 مراجعه فرمایند.

و به تقلید وی یک مرد جوان معاصر شارح مذکور موسوم به نظام الدین محمود بن‏ الحسن الحسینی شیرازی،بشرح مثنوی پرداخته است.پس باب شرح‏نویسی بر مثنوی‏ نخستین بار بوسیلهء ایرانیان افتتاح گردیده است،ولی این موضوع در ترکیه تعقیب و تکمیل و منظم و مرتب شده بحد کمال رسیده است.

بنابراین در انجام این امر مهم،در درجهء اول ما،مدیون صلح الدین مصطفی‏1 سروری هستیم،وفات وی در 996 هجری اتفاق افتاده است.(برای تکمیل فایده در این مورد بدائرة المعارف اسلامی،چاپ لندن سال 1913 مراجعه شود،دومین شارح‏ ترک شمعی نام است که در حدود سال 1000 هـ وفات یافته است.

سومین شارح اسمعیل انقروی است که در سال 1041 هـ رخت از این جهان بربسته است.

4-یکی دیگر از شارحین ترک موسوم به رسوخ الدین انقروی معروف به اسمعیل‏ کرده می‏باشد.وی شیخ المشایخ خانقاه بزرگ(قالاتا)بود«بعقیده نیکلسون فاتح الابیات‏ این شیخ بزرگوار مشتمل بر ترجمهء منثور اشعار فارسی مثنوی است که بهترین نمونه شرح‏ اشعار شرق می‏باشد»

5-المنهج الغاوی لطلاب المثنوی

مؤلف این کتاب مستطاب،شیخ یوسف بن احمد المولوی است.این شرح بزبان‏ عربی نوشته شده است.

نویسندهء کتاب خود را خادم درویشان خانقاه محل معروف به(بشیک تانش) که قصبه‏یی در نزدیک بوسغور است معرفی کرده است.علت تألیف کتاب را بزبان تازی چنین‏ توجیه می‏نماید.

چون طایفهء درویشان دیار سوریه از فهم شرح مثنوی ترکی عاجز بودند.لذا برای‏ دستگیری آنان این کتاب بزبان عربی نوشته شد.

مطالب کتاب مزبور از شرح مثنوی رسوخ الدین انقروی موسوم به فاتح الابیات‏ که ذکرش گذشت مأخوذ شده است.

منتهی مؤلف پاره‏یی مطلب جدید،و مباحث مفید از کتاب نجم الدین کبری،به شرح‏ فوق اضافه نموده است.

6-مکاشفات رضوی یا رضائی

شرح مثنوی فارسی است،بعضی توضیح و تبیین اشعار مشکل مثنوی است در 1084 ه بوسیلهء شخصی موسوم بمولوی محمد رضا گردآوری،و در سال 1877 میلادی چاپ سنگی آن‏ در لکنهو منتشر گردید.

(1)-بفهرست Elhe? در تحت شماره 1099 رجوع فرمائید.

(2)-برای تکمیل فایده بفهرست کتب خطی ترکی موزهء بریتانیا از ص 234 ببعد مراجعه شود.

7-یکی دیگر از شروح مثنوی فارسی-شرح مثنوی فارسی مولوی ولی محمد اکبرآبادی است که در سال 1140 تألیف یافته است.(برای مزید فایده بفهرست کتب‏ فارسی کتابخانه هند که بوسیلهء Elhe? تنظیم یافته و در تحت شماره 1107 ضبط گردیده‏ است مراجعه فرمایند)

پوشیده نماند:که مؤلف این کتاب از پیشقدمان خود مخصوصا محمد رضا انتقاد فراوان کرده است.

8-شرح مثنوی فارسی عبد العلی محمد بن نظام الدین که اهل لکنهو بود. خوانندگان کتاب بعلت تألیف این اثر نفیس،مؤلف را ملقب ببحر العلوم نمودند.وفات‏ وی در سال 1225 هـ اتفاق افتاد.

کتاب مزبور،در سال 1876 در لکنهو،و در سال 1877 در بمبئی طبع و نشر گردید.برای مزید فایده بدائرة المعارف اسلامی چاپ لیدن،سال 1913 م،در تحت‏ عنوان،بحر العلوم رجوع فرمائید.

و نیز ناگفته نماند،که برای تکمیل دفتر اول از فیض مطالعه سه کتاب بنام شرح‏ مثنوی ترکی برخوردار،و از مندرجات آثار مزبور استفادهء شایان نموده‏ام.که بترتیب‏ بقرار زیر است:

1-جواهر بواحر مثنوی-کتابی است مفصل که 2250 صفحه دارد

مؤلف این کتاب ساری عبد اللّه افندی است متوفی در سال 1071(برای مزید فایده به کتاب دائرة المعارف اسلامی رجوع شود)مشتمل بر مباحث متعدد عرفانی و اشعار بی‏شهد شعرای متصوفه است.

2-روح المثنوی مؤلف این کتاب مستطاب شیخ اسمعیل حقی‏بور سومی است. مشتمل بر دو جلد است.(برای مزید فایده بدائرة المعارف اسلامی مراجعه فرمایند).مؤلف‏ به تکمیل اثر خود،توفیق نیافته و 728 بیت از دفتر اول را که تا(اول حکایت پادشاه جهود که در هلاک دین عیسی سعی می‏نمود)شرح کرده است.

وفات وی را در سال 1130 ضبط کرده‏اند

3-ترجمهء شرح مثنوی شریف

مؤلف این کتاب عابدین پاشاست،که حاکم آنقره بود.این کتاب در شش مجلد است،و در سال 1887 و 1888 در اسلامبول،حلبهء طبع یافته است.